

انجمن های شورائی در انقلاب مشروطیت^(۱)

در پناه سر زلف تو بهارستانی
که در او هیأت دل مجلس شورا دارند
رازداران تو در انجمن سری دل
لطفی از رمز دهان تو تمنا دارند
از بهار خاوری در ۱۹۰۷ / ۱۳۲۵ ق

مقدمه وار اشاره می کنیم که آزادی خواهان انقلاب مشروطه گرچه جمله‌ی هم رای و هم رنگ نبودند، اما اتحادشان بر سر شعار "عدالت- حریت- مساوات" آنان با یکدیگر متجانس و از دیگران متمایز می کرد. یعنی آنان برخلاف اصلاح طلبان، تنها خواستار عدالت خانه و یا مجلس شورای صرف نبودند. آزادی اندیشه و بیان را برای همه‌ی شهروندان یکجا می طلبیدند. وانگهی در لفظ مساوات اختلاف حقوق میان اقلیت های مذهبی را نادیده می انگاشتند. پس جای تعجب نبود اگر آرامنه، زرتشتیان، ازلیان و شیخیان به صفوف آزادی خواهان پیوستند و گاه تا سرمدمداری جنبش بیش راندند.

فی المثل از ارمنه چلنکریان را در سرکردگی سوسیال دموکرات های ایران می یابیم. از زرتشتیان فریدون جهانیان را در کنار مجاهدان می بینیم. از شیخیان ستارخان و ثقة الاسلام را سراغ داریم. از ازلیان ملك المتكلمین و سید جمال واعظ را در رهبری انقلاب و در رأس فرقه اجتماعیون- عامیون تهران می شناسیم.

نیز می دانیم که مجلس مشروطه نه به راه این آزادی برپا شد و نه آن خواست ها سازگار بود. کافی است قوانین مجلس را به دقت بخوانیم! چنانکه اصل دوم متمم قانون اساسی یکسره بر اصل برابری و آزادی خط بطلان کشید. ضرورت ولایت فقها و شورای نگهبان علما را تایید کرد. منع قوانین مغایر با قوانین اسلام را اعلام داشت. آن مادهی قانونی- گرچه از بحث ما بیرون است- به نقل می آرزد، چرا که در برابر آن هر مادهی قانونی دیگر زانده ای بیش نیست:

"مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تایید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه خلدالله سلطانه و مراقبت حجج الاسلام اسلامیة کثرالله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است، باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدس اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیة بر عهده ی علمای اعلام ادامه الله برکات وجود هم بوده و هست و لهذا مقرر است در هر عصری از اعصار هیأتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقی های مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکور باشند معرفی به مجلس شورای ملی نمایند... تا موادی که در مجلس عنوان می شود به دقت مذاکره و غور و بررسی نموده، هر يك از آن مواد معنونه که مخالفت با قوانین مقدسه اسلام داشته باشد، طرد و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند... و این ماده تا ظهور حضرت حجت عصر عجل الله فرجه تغییر ناپذیر خواهد بود."

همین ماده برای تعریف حقوق اقلیت ها، زنان و رعایا کافی بود. مطلقیت و مالکیت هم در همین اصل جای می گرفت. باقی مفاد به تزیین آذین می ماند. بدیهی است همه فریاد آزادی خواهان، سیدجمال واعظ که "قانون محمدی قانون آزادی و تساوی حقوق است و آنهایی که غیر این می گویند به کشور خود خیانت می کنند و لایق داشتن این مذهب نیستند"^(۷)، به بهای جان خود او تمام شد. ارامنه هم برآشفتند. بارها دست به تظاهرات زدند. به انجمن ها شکایت بردند. گفتند به جای يك وکیل انتصابی از تهران سه وکیل انتخابی می خواهیم. تساوی حقوق می طلبیم. به جانی نرسید. مجلس عارضین را از برگزیدن نماینده در تبریز و رشت که کانون آشوب بود، بازداشت^(۸) در برخی شهرها حتی تظاهرات ضدارمنی هم به راه انداختند^(۹). ارامنه به دو گروه تقسیم شدند. برخی امان از دولت روس جستند و گروه دیگر به آزادی خواهان و انجمن ها پیوستند. تعدادی نیز در ۱۹۰۸ شعبه‌ی دوم سوسیال-دموکراسی تبریز را سازمان دادند. زرتشتیان از مشروطه حمایت سرسختانه کردند. در انجمن ایالتی کرمان عضو شدند. در مجلس هم طالب برابری حقوق با مسلمانان بودند^(۱۰) فریدون جهانیان "کمک های مهمی از لحاظ اسلحه" به مجاهدان داد، سرانجام نیز به راه مشروطه خواهی کشته شد^(۱۱). اما این همه یاری مؤثر نیفتاد. با بیان پس از ۶۰ سال اختفا، انجمنی به پا داشتند. در اطلاعیه آن انجمن و خطاب به دولت تصریح کردند که باید مسلمانان دست از آزار این فرقه بردارند. باید مذهب بابی به رسمیت شناخته شود، ورنه همان خواهند کرد که میرزا رضای بابی با ناصرالدین شاه" و "عباس آقای بابی با اتابک" کرد^(۱۲). این نخستین بار بود که با بیان آشکارا و علناً خود را از بهانیان متمایز می خواندند و جانب ازلیان و مشروطه طلبان را می گرفتند. موضع بهانیان روشن بود: اعلامیه های دیواری به مریدان دستور می داد: "به هیچ وجه در سیاست دخالت نکنید... هیچ سخن مگر در بزرگداشت پروردگار بر زبان نرانید"^(۱۳) و در ربط با ازلیان الواح بابی بر آن دلالت داشت که "این نفوس دشمن بهانیانند". بهانیان می کوشند "دولت و ملت بلکه تمام طوایف با یکدیگر التیام یابند.

الهدا در اینگونه منازعات دخالتی ندارند"^(۹) یعنی در انقلاب شرکت نمی جویند. اما این گروه هم که به حکم مذهب خود از سیاست کناره گرفت، از آن بی تفاوتی طرفی نیست و مانع از بهائی کشی که همه مورخان توصیف کرده اند، نتوانست شد.

رعایا به مجلس راه نیافتند که هیچ، مالکان بر کرسی نمایندگی تکیه زدند. در توجیه این امر بارها گفته اند: انقلاب مشروطه در آن شهرنشینان بود و رعیت نقشی نداشت. اما از یاد می برند که "اصلاح مالکیت" و ستم ارضی- از نیمه دوم سدهی نوزده- اساسی ترین اشتغال فکری متفکران و مخالفان در انقلاب بود. وانگهی شورش رشت و تبریز خود خلاف این ادعا آمد. شب نامه های آزادی خواهان نیز این اعتراض را بر می نمود. بارها نوشتند: رعیت انقلاب کرد تا نمایندگان رعایا به مجلس بروند و نه غاصبین مال ملت. "به خیالتان مردم نمی دانند وثوق الدوله ها چقدرها مال از مردم صرف کرده اند" و امروز وکیل مشروطه شده اند؟ این نمایندگان همانند که مردم علیه شان برخاستند. "پس ایران مشروطه نیست. پس این وکلا و این قانون و این ترتیبات همه دروغ است... سبحان الله ما وکیل انتخاب کردیم که در مجلس شورا حقوق مغضوبه ما را از دست ظالمین بی رحم بازستاند. هیچ وقت احتمال نمی دادیم که وکیل بتواند حقوق حقه ما را به ظالمان ببخشد... اگر پیشتر از این می توانستیم دادی ز نیم، فریادی بکنیم، تظلمی نمایم، حالا دیگر نمی توانیم نفس بکشیم. اگر پیشتر بدون سند حقوق ما را می بردند، حالا با سند می برند که وکلای مجلس چنین رأی داده اند. اگر بگوئیم وکیل خانن است می گویند مخالف مجلس شده اید"^(۱۰). مجلس نه تنها با صاحبان این افکار بیگانه بود بلکه یکی از نمایندگان شب نامه نویسان را "بی شرف و بی ناموس" خواند و آنان را جزو "مفسدین فی الارض" به شمار آورد^(۱۱).

پس چه جای ایراد اگر سلطان زاده مجلس مشروطه را تجلی گاه شکست آزادی خواهان و پایگاه زمین داران و روحانیان می خواند^(۱۲) و چلنگریان در گزارش به "نیوسایت" نشریه سوسیال دموکرات های آلمان تصریح کرد: "مجلس

نمی خواهد از مبارزات آزادی خواهان" حمایت کند. بلکه در کاهش اقتدار آنان، می کوشد تا "مذهب را به اقتدار پیشین خود بازگرداند"^(۱۳).

اکنون باید دید اقتدار آزادی خواهان در کجا تجلی داشت و اساس تشکل بر چه بود. گویاست که این گروه کمتر به سرریز کردن مردم به خیابان و بیشتر به آگاهانیدن مردم دل بست. مورخانی که "نقش توده ها" را در انقلاب مشروطیت پژوهیده اند، "فقدان خشونت" و محدودیت بسیج های خیابانی را از خصلت های بارز آن انقلاب بر شمرده اند^(۱۴). از بسیاری گفتارها هم بر می آید که رهبران از کران بیکران جهل عوام الناس آگاه بودند. ملت به حقوق خود آشنا نبود. کما اینکه سید جمال واعظ به تندى و تلخی می گفت: ای مردم، ایکاش خداوند به جای این همه "ایمان" يك جو "عقل" به شما عطا می کرد. شما باید نخست مفهوم آزادی را دریابید آنگاه به طلب آن بر آید. ورنه دیگران به نام شما معرکه گیر خواهند بود و شما از گردونه بیرون. اگر "به حقوق خودتان ملتفت نشوید" دیگران برایتان حقوق خواهند ساخت. یکی مرشد خواهد شد و یکی قطب، یکی شارب و یکی زلف، یکی شاه و یکی پیغمبر^(۱۵).

ملک المتکلمین گامی فراتر می نهاد و هراس از این گفته نداشت که در ایران "طبقه ی بالا و پائین در حفظ بساط استبداد" همداستان یکدیگرند. توده ی عوام چنان "در منجلاب جهل و نادانی غوطه ورنند" و چنان از دنیا و مطالب بزرگ عالم بی خبرند"^(۱۶) که به هر باد می چرخند. چنین هم بود. بارها در تظاهرات خیابانی جماعت غافل و سرگردان، آلت دست این و آن شدند. در اصفهان به نام مشروطه و به راه آزادی بود که بساط سینه زنی و قمه کشی به راه افتاد و جماعت اشک ریزان و سرشکنان نوحه سر دادند که "ای شیعه چه غوغاست که روز همگی شام- خون گریه کن از بی کسی و غربت اسلام!" در اردبیل جنبش مشروطه را تبدیل به جنگ حیدری- نعمتی کردند. هر دو دسته در برابر یکدیگر سنگر بستند. درگیر شدند و "به گلو له بازی" پرداختند^(۱۷).

تشکل و مبارزه‌ی آزادی خواهان را باید در درون انجمن ها جستجو کرد که به اشکال گوناگون پا گرفت. چنانکه از ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ تنها در تهران به گفته مخبرالسلطنه هدایت ۱۲۰ انجمن و به قول ملک زاده ۲۰۰ انجمن برپا شد. ولایات دیگر هم دستکم نداشت. "انجمن بازی" باب روز بود و گاه وسیله‌ی تطهیر دغل کاران که می خواستند آب پاکی روی گذشته خود بریزند. حبل المتین هم به این مطلب اشاره داشت. می گفت: اگر تو عمری به نوکری دولت سرکرده ای... اگر پول هنگفت در بانک ها انباشته ای... اگر املاک و دهات بی شمار دست و پا کرده ای... اگر هزاران خیانت و خطای جبران ناپذیر مرتکب شده ای... باز ناامید مشو... هر چه زودتر فکر برپائی انجمن کن و آب کر بر جمله گناهان بریز^(۱۸). آن روزنامه به طنز می گفت اما پرت نمی گفت. کما اینکه حاکم شیراز با پسران قوام الملک کنار آمد و "بنیاد انجمن ولایتی بنهاد" و حاج سیف الله حکمران عربستان با همدستی شیخ خزعل "دستگاه مشروطه خواهی" چید!^(۱۹).

این را هم می دانیم که گذشته از آن محافل استثنائی و ساختگی، ایرانیان از دیرباز با جلوه های گوناگون انجمن ها آشنا بودند. یعنی با انجمن های صنفی بر پایه‌ی صنعت و مذهب. برخی حتی متشاء این نهادها را به دوره ی ساسانی می رسانند. در دوره های پسین توسعه انجمن ها با رونق تجارت و گسترش شهرنشینی شکل گرفت. دولت خود مشوق این نهادها بود و در جهت تسهیل اخذ مالیات از طریق "ریش سفید" هر انجمن حاکمیت اقتصادی خود را تأمین می داد^(۲۰). بدیهی است از نیمه دوم سده نوزده به بعد، نیرومندترین تشکل از آن بازرگانان بود که سرمایه را در دست خود متمرکز داشت. نقش بانک را ایفا می کرد و گهگاه (چنانکه در ۱۸۸۴ و با ایجاد مجلس تجارت) در تمرین مشروطه و جلوه‌ی دولت در دولت پدیدار می شد. سایر انجمن های صنفی هم بارها در پشتیبانی از حقوق اصناف رویاروی حکومت ایستادند. بست نشینی و اعتراض بر سر مالیات های تازه از جمله امور رایج بود. به عنوان در ۱۸۹۰ صنف کش باف، نساج، مسگر و صراف يك صدا علیه بانک شاهی

برخاستند که "کار و بارشان را کساد کرده" بود^(۲۱) و خواهان برچیده شدن بانك "پدرسوخته" شدند.

نیز سده‌ی نوزده شاهد پدیداری انجمن‌های مخفی و با آرمان‌های گوناگون بود. چه در شکل فراموش‌خانه میرزا یعقوب خان و ملکم و چه در محتوای "مراکز غیبی" که ناظم‌الاسلام کرمانی و یحیی دولت‌آبادی اشاره داده‌اند و حاج سیاح شب‌نامه‌هایی چند آورده است^(۲۲) برخی برآنند که نخستین انجمن مخفی را میرزا آقاخان کرمانی بنا نهاد^(۲۳). نمی‌دانیم و هیچ‌یک از اعضای آن را نمی‌شناسیم. همینقدر می‌دانیم که در آستانه قتل ناصرالدین شاه گروه‌های مسلح سربرآوردند. و کاساکوفسکی رئیس بریکاد قزاق‌های تهران که به سرکوب آنان مأمور شده بود، برای نخستین بار "عبارت" "احزاب مخالف دولت" را به کار می‌برد و اعضای آن را بایی می‌خواند^(۲۴).

اما توسعه‌ی انجمن‌ها با اشکال و جلوه‌های گوناگون، در انقلاب مشروطیت بی‌سابقه بود. باز برخی بر پایه‌ی مذهب گسترش یافتند: انجمن ارمنه، اتحادیه زرتشتیان، اتحادیه بنی اسرائیل، انجمن بابیه (که مخفی بود). برخی براساس حرفه و صناعت رونق گرفتند و خواست‌های سیاسی را بر خواست‌های صنفی افزودند: اتحادیه تلگرافی، اتحادیه اصناف، انجمن تجار مشروطه خواه، انجمن غلامان آزاد، انجمن جراید، انجمن دانشمندان، انجمن مستوفیان، انجمن معماران، اتحادیه لشکر نویسان، انجمن سردارها و غیره... هم ولایتی‌ها هم گرد هم آمدند: انجمن شیرازیان، انجمن اصفهانی‌ها، انجمن آذربایجانی‌ها، انجمن برادران دروازه قزوین انجمن قاجاریان انجمن تفرشیان که دکتر محمد مصدق هم از اعضای آن بود. این انجمن دارای يك "کمیسسیون حزب" بود که در آن "بیشتر از مسائل جنگی صحبت می‌شد"^(۲۵) به قصد دفاع از مشروطیت برپا شده بود. انجمن‌های فرهنگی هم فراوان سراغ داریم. مانند انجمن صفا، کانون جوانان، انجمن فرهنگ که به فکر کنگره‌ی سراسری انجمن‌ها افتاد و فراخوانی در رونامه‌ی مجلس منتشر کرد.

انجمن فلاحت که روزهای پنج شنبه برگزار می شد. شعباتی در شهرستان ها داشت و افزون بر تعلیم و ترویج فنون کشاورزی، "نشر افکار آزادی خواهی" را هم در برنامه گنجتایده بود. و یا انجمن سواد اعظم روزهای هفته را به آموزش علوم گوناگون اختصاص داد. ریاضیات، حقوق مدنی شهروندان، اقتصاد، تاریخ باستان و تاریخ معاصر ایران را تدریس می کرد. روزهای جمعه نیز جلسات سخنرانی و بحث آزاد داشت و عموم می توانستند در این نشست ها و گفتگوها شرکت جویند^(۲۶). انجمن های اعتدالی هم داشتیم: مجمع آدمیت و انجمن سادات بنی فاطمیه، یا انجمن های مشرعه خواه و استبداد طلب: انجمن اشراف (که مخبرالسلطنه عضو آن بود و صادق هدایت در حاجی آقا حسابش را رسیده است)، انجمن ورامین، انجمن فتوت، انجمن آل احمدو غیره... از کمیته های انقلاب، کمیته ستار، انجمن آزاد مردان، انجمن بین الطلوعین و سایر مجامع سری در جای دیگر سخن خواهیم گفت. در هر حال شناخت سرشت و اهداف هر يك از آن نمونه ها که بر شمرديم فراخور بررسی جداگانه است و بدون آن شناخت و این بررسی اظهار نظر در باره ی انقلاب مشروطیت خالی از کلی گویی و به دور از انتزاع نخواهد بود.

به رغم تعدد آمال و اعمال، نقش انجمن ها در انقلاب و آگاهانیدن مردم ارزنده بود. براون گواهی می داد: "اهداف انجمن ها بشر دوستانه و سیاسی بود. آنها به ایجاد مدارس شبانه در جهت آموزش توده ی عوام برآمدند. دست به تأسیس درمانگاه برای بیماران زدند... در رابطه با حقوق شهروندان و در ربط با منافع واقعی آنان جلسات بر پا کردند... انجمن ها تواناترین عامل روشنگری در احیاء مردم" بودند^(۲۷). به گفته ی همو، برخی انجمن های ایالتی تا پای "شوراهای شهری" نیز پیش رفتند. موضوع سخن ما نیز همین مجامعی است که خصلت شورائی داشتند و در تبریز و رشت و مشهد استقرار یافتند.